

# نگرش های ایران

محمد بقایی ماکان

www.ketab.ir

سرشناسه : بقالی ماکان، محمد، ۱۳۳۲ -  
 عنوان و نام پدیدآور : نگارشهای ایرانی/محمد بقایی-ماکان.  
 مشخصات نشر : تهران: نشر رسانش نوین، ۱۳۹۲.  
 مشخصات ظاهری : ۵۰۲ ص.  
 شابک : 978-600-6826-73-8  
 وضعیت فهرست نویسی : فیا  
 موضوع : مقاله‌های فارسی - قرن ۱۳  
 رقم بندک‌کنگره : ۱۳۹۳ ۷۲۰۲/۲ PIRAT02  
 رده بندک دیویی : ۸۵۲/۴۲  
 شماره کتابشناسی ملی : ۲۳۳۷۰۴۲



تهران: بهار شمالی، شکبیا، شیرازی، بلاک ۷، واحد ۲.  
 تلفن: ۰۹۱۲ ۱۳۰ ۹۱۳۱ تلفکس: ۰۷۵۳۰۵۳۶ rasanesh.pub@gmail.com

## نگرش‌های ایرانی

محمد بقایی ماکان

makanbaghai@yahoo.com

طرح جلد و صفحه‌آرایی: علیرضا علی‌نژاد  
 حروف‌نگاری: خدیجه اسماعیل‌پور قمی  
 لیتوگرافی: فیلم‌گرافیک  
 چاپ: مثنی  
 صحافی: ولی‌عصر  
 چاپ اول، تهران، ۱۳۹۴  
 شمارگان: ۱۱۰۰ نسخه

قیمت ۲۵۰۰۰ تومان

## فهرست مطالب‌ها

|     |                                                              |
|-----|--------------------------------------------------------------|
| ۹   | ۱. پیش‌گفتار.....                                            |
| ۱۳  | ۲. پیوند سنت با هویت ایرانی.....                             |
| ۲۳  | ۳. یلدا، سنت مهرانگیر ایرانی.....                            |
| ۲۷  | ۴. از شیدان شید تا نورالانوار (نورآتش در اندیشه ایرانی)..... |
| ۴۵  | ۵. نوروز؛ میلاد هویت ایرانی.....                             |
| ۵۳  | ۶. نوروز؛ مبارزی همیشه پیروز.....                            |
| ۵۹  | ۷. اگر نوروز نمی‌بود.....                                    |
| ۶۹  | ۸. استوره‌ی عمونوروز.....                                    |
| ۷۵  | ۹. نوروز و آئین‌هایش.....                                    |
| ۹۱  | ۱۰. نوروز و آفرینندگی.....                                   |
| ۹۹  | ۱۱. نوروز در ادب فارسی.....                                  |
| ۱۰۷ | ۱۲. سیزده نوروز، منهای اکاذیب به اضافه حقیقت.....            |
| ۱۱۵ | ۱۳. گردونه‌ی نوروز در گذر زمان.....                          |
| ۱۳۱ | ۱۴. مهرگان و جلوه‌هایش.....                                  |
| ۱۴۱ | ۱۵. معتزله؛ حلقه‌ای از سلسله‌ی سیادت ایرانی.....             |
| ۱۵۵ | ۱۶. پوزیتیویسم ایرانی.....                                   |
| ۱۶۱ | ۱۷. بازگشت به کدام خویشتن؟.....                              |
| ۱۷۵ | ۱۸. جریان روشنفکری در ایران.....                             |
| ۱۸۱ | ۱۹. بخت اهل قلم.....                                         |

۲۰. زبان مادر یا زبان مادری..... ۱۹۳
۲۱. نقش زبان فارسی به‌عنوان زبان ملی..... ۱۹۹
۲۲. از طلا تا مس (زبان فارسی در شبه قاره)..... ۲۰۵
۲۳. درباب جدانویسی افراطی..... ۲۱۳
۲۴. با آنان که مفتون شهریاراند..... ۲۲۹
۲۵. لاله‌رخی با هویت ایرانی..... ۲۳۹
۲۶. اینجا ایران است!..... ۲۵۱
۲۷. خلیج فارس و ملای محبوب تاریخ..... ۳۱۷
۲۸. جامعه ایرانی و توسعه فرهنگی..... ۳۲۳
۲۹. فرهنگ مطالعه و پژوهش در ایران..... ۳۴۵
۳۰. ایرانیان و تاریخ..... ۳۵۷
۳۱. بیهقی؛ نخستین گزارشگر..... ۳۶۹
۳۲. تاریخ هرودوت: کتابی بهتر از هیچ..... ۳۸۱
۳۳. غم در غیاب خداوند..... ۳۸۷
۳۴. همایشی برای همایش‌ها..... ۳۹۵
۳۵. آه، دارالفنون..... ۴۰۵
۳۶. دارالفنون، تنها یادگار امیر..... ۴۱۱
۳۷. من این ویران‌سرا را دوست دارم..... ۴۲۳
۳۸. نقش دارالفنون در جنبش مشروطه..... ۴۳۵
۳۹. از وقایع/تفاهیه تا نیویورک تایمز..... ۴۴۷
۴۰. از گردهای فردوسی تا شانه‌ی دهخدا..... ۴۵۱
۴۱. از خانه‌ی بته‌وون تا مدفن فروزان‌فر..... ۴۵۷
۴۲. نیچه و اندیشه‌های ایرانی..... ۴۶۳
۴۳. کرزوس روحانی نبود..... ۴۷۵
۴۴. ماندلا و آموزه‌های ایرانی..... ۴۷۹
- نمایه نام‌ها و موضوعات..... ۴۸۹

## پیش‌گفتار

از میان کشورهائی که سلسله جنبان فرهنگ و مدنیت جهان به‌شمار می‌آیند و از این لحاظ حق‌پورگی بر گردن بشریت دارند، ایران از موقعیت خاصی برخوردار است و با فرهنگ غنی و سابقه عظیم تاریخی خود مورد توجه همه کسانی است که به تاریخ فرهنگ و مدنیت جهان می‌اندیشند. ایرانیان، چنان که از شواهد تاریخی برمی‌آید سهمی عظیم در پروراندن اندیشه‌های بزرگ داشته‌اند که هر چند تحت عنوان کلی دنیای اسلام قرار می‌گیرد، ولی حقیقت این است که برآمده از روح و اندیشه ایرانی است. نویسنده‌ئی به نام دلیسی اولیری<sup>۱</sup> کتاب ارزنده‌ئی دارد به نام چه‌گونه دانش یونانی به مسلمانان منتقل شد؟<sup>۲</sup> او در این کتاب به نکته بدیعی اشاره می‌کند و می‌گوید تمدن اسلامی آثار علمی یونان را کسب و از آنها صیانت نمود تا آن که به اروپای مسیحی، یعنی دنیای غرب تحویل داد. اگر معرفت و دانش یونانی به مسلمانان منتقل نمی‌شد به احتمال زیاد، امروزه چیزی از آن در دست نمی‌ماند. به این گفته اولیری بیفزایید اندیشه‌هائی را که خاص سرزمین ایران و برآمده از آن بوده است نظیر آراء امثال غزالی، سهروردی، پورسینا، زکریا رازی، ابوریحان، خواجه نصیر و فارابی که تأثیری شگرف بر

1. De Lacy O'Leary.

2. How Greek Science Passed to Arabs.

فرهنگ و دانش غرب و بالمآل تمدن آن داشته‌اند. برای نمونه فقط *الحاوی* زکریا رازی دانشنامه‌ای است پزشکی در سه هزار صفحه که در قرن سیزدهم میلادی، بیست سال وقت برای ترجمه آن در اروپا صرف شد. نمونه دیگر فخرالدین عراقی است که او را باید از پیشگامان نورشناسی در تاریخ علم دانست. مثال‌هایی از این دست چندان فراوان است که در حوصله این مقدمه مختصر نمی‌گنجد. اما به سادگی می‌توان دریافت که فرهنگ و تمدن جهانی به واقع وامدار دستاوردهای فکری ایرانیان است. رضاقلی میرزا نوه فتحعلی‌شاه که در سال ۱۲۵۳ قمری به لندن رفت، در سفرنامه خود که آن را *حیرت‌نامه* می‌نامد از دیدن «دوربین‌های نجومی برای دیدن کواکب، روشنائی فن‌دیل و چراغان، عرابه‌های ویژه آوردن و بردن مکاتیب» حیرت می‌کند، حال آن که از همه این پدیده‌ها در تاریخ مدنیت ایران می‌توان نشانی یافت. گفت‌وگوی تمدن‌ها که در سالهای اخیر مورد توجه قرار گرفته می‌تواند مبین سهم بزرگ فرهنگی ایران در گسترش مدنیت جهان باشد. اگر در بحث از تمدنها زوایای آسمان‌خراش دانش بشری به درستی بررسی شود معلوم می‌شود که اعیانی آن از غرب و عرصه آن از شرق، بخصوص از ایران است. غزالی پانصد سال قبل از دکارت، اصول فلسفه او را مطرح کرد. افکار دکارت چندان مطابق آراء این شکاک تواناست که یک مورخ انگلیسی می‌گوید این شبهه به وجود می‌آید که دکارت مرتکب انتحال شده باشد. همین غزالی هفتصد سال قبل از دیوید هیوم با شیوه دیالکتیک خود، انگشت بر اصل علیت گذاشت. آن زمان غرب یا به بیان درست اروپا در کجا بود؟ در ظلمات تاریخ خفته بود و دست چپ خود را از راست نمی‌شناخت. برجسته‌ترین متفکر دنیای مسیحیت آگوستین بود که هر منکری را مرتکب شد.

معمولاً گفته می‌شود نخستین کسی که عقل و دانش را برابر توانایی دانسته و گفته است دانایی همان توانایی است، فرانسویس بیکن است. حال آن که اول بار فردوسی گفت که دانایی و خرد این توانایی را به انسان

می‌دهد تا جهان را آن‌گونه که می‌خواهد بسازد و این اندیشه او که «توانا بود هر که دانا بود» به صورت مثل درآمده. او خدایی را می‌ستاید که آفریننده خرد است، نکته‌یی که هفتصد سال بعد غرب بدان رسید و کانت بنیاد فلسفه خود را بر آن نهاد. همچنین گفته‌اند که فرانسویس بیکن اولین کسی است که در اروپا علم مخالفت با فلسفه یونان را برافراشت و او را پایه‌ریز منطق استقرایی می‌دانند، ولی حقیقت را اگر بخواهیم اولین کسی که منطق استقرایی را مطرح کرد یعقوب کندی بود که هشتصد سال پیش از بیکن می‌زیست. اوژن یونسکو در نامه‌ای به هانری کورین می‌نویسد «عقل سرخ سهروردی را باید به کرات خواند. گمان می‌کنم با وجود این کتاب تا پایان حیاتم نیاز به کتاب دیگری نخواهم داشت.» بر همه اینها بیفزایید تأثیری را که دانته در نگارش *کمندای الهی* از *ارداویراف‌نامه* و شاید هم از *سیرالعباد* سنایی پذیرفت که شرح آن طولانی است.

اگر بخواهیم همه اتاقهای آسمانخراش دانش و فرهنگ جهان را یک به یک بکاوییم بی‌گمان نشانی از اندیشه ایرانی در بسیاری از آنها خواهیم یافت. اشعه لیزر حاصل تحقیقات اولیه دانشمندی ایرانی به نام علی جوان است که استاد دانشگاه معروف کلمبیا بوده. همین امروز مدیر پروژه مریخ در پایگاه هوایی ناسا یک ایرانی است به نام فیروز نادری که روستازاده‌ئی جهرمی است و هفتاد ایرانی متخصص دیگر با او در ادامه این طرح همکاری دارند. بنابراین اکنون یکی از مهمترین بخشهای ناسا را اندیشه ایرانی پیش می‌برد. ولی چه سود برای فرزندان حافظ، این رندان تشنه لب که از دریای اندیشه آنان جرعه‌ئی به اینان نمی‌رسد.

اکنون نسل امروز ایران در زمانه‌ای سر می‌کند که به واقع نیاز به شناخت تاریخ، فرهنگ و اندیشه‌های برآمده از این خاک دارد تا هویت خویش را بازیابد و خود را در عرصه حیات چنان بنمایاند که شایسته تاریخ پر بار اوست. کتاب حاضر پیاله‌ای است از خم‌خانه این فرهنگ با نگاههای تازه به برخی موضوعات اصلی و عمده که کمتر بدان توجه شده. آنچه در این

مجموعه فراهم آمده متشکل از عناصر هویت‌ساز ایرانی است که رگه‌ی مشترک موضوعات هر مبحث را شکل می‌دهد.

در پایان لازم به ذکر است که مطالب کتاب حاضر در طول چندین سال و بر اساس ضرورتی که متأثر از مسأله‌ای فرهنگی و اجتماعی بوده بر قلم نگارنده آمده، نه آن که تحقیقی مبتنی بر عنوانی خاص در مدتی معین باشد، از این رو برخی مشابهات مفهومی و نگارشی ناخودآگاه در میان مقالات دیده می‌شود که چون مفاهیم محوری موضوع مورد بحث بر آنهاست تکرارشان ضروری به نظر رسیده. این تذکر از آن رو لازم دیده شد که دانسته شود مؤلف به این موضوع از پیش توجه داشته است.

م. پ. ماکان